

# حالات عارفانه

داستان‌های کوتاه

رایبندرانات تاگور



سینجیتا گوپتا

مترجم انگلیسی

مینا اعظامی

مترجم فارسی

انتشارات صورتگر

۱۳۸۷

## مقدمه مترجم فارسی

چندین مرتبه در این مقاله به جای جای خود آمده بودیم و این مقاله را در  
موسسه و در کتابخانه خطرات حیوانات و حیوانات او با این موضوع  
فکر کنیم تا هر دو و بر روی اساس آن با نهایت و دقت و در هر دو  
با سببها و مانند که در هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که  
به هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که  
موسسه و حیوانات در هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که  
در هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که در هر دو که

## فهرست

۷	مقدمه مترجم فارسی
۹	مقدمه مترجم انگلیسی
۱۷	۱. سنگ‌های گرسنه
۳۵	۲. اسکلت
۴۷	۳. جواهرات گم‌شده
۷۱	۴. تغییر
۹۹	۵. توبه
۱۱۹	۶. قاضی
۱۳۱	۷. خود متواضع

## مقدمه مترجم فارسی

چه با صراحت و بی‌باکانه به جای‌جای حوزه آدمی، مرد یا زن، قدم می‌نهد و به‌وضوح و موشکافانه خُلقیات، خصوصیات و جزئیات او را بر می‌شمرد! تک‌تک عناصر سازنده درون و برون انسان را با درایت و دقتی ویژه می‌نگرد و با تشبیهات و مانند کردن‌های جزئی‌گام دور از ذهن، نرم‌نرمک خواننده‌اش را به عمق می‌کشاند و او را به فراتر از ظاهر اتفاقات نقل‌شده هدایت می‌کند. جرئت و جسارتش در آشکار کردن نقاط به اصطلاح ضعف آدمی، به‌ویژه مردان (از یاد نبریم که او خود مرد است)، حکایت از روح والایش دارد که خودانگاره را در گرو نبوده‌ها نمی‌گذارد، بلکه با بوده‌ها، در مسیر بهبود و تکامل راه می‌پیماید.

گاه نغز و شاعرانه، همه‌ها را به نغمه مبدل می‌کند و گاه مصمم و بی‌رحمانه، ترنم را هیاهویی بیش نمی‌داند. داستان‌هایش تصویری نسبتاً شفاف‌اند از آداب و رسوم، مناسبت‌ها، برخی باورهای خرافی و سنت وفادارانه همسررداری؛ و بیشتر زنان داستان‌هایش، در هر جامه و کسوتی نسبت به مردانشان با هر پیشینه‌ای وفادارند. ضمن آنکه، این داستان‌ها بسیار شفاف و روشن، دغدغه‌های عاطفی و مهرآمیز و همچنین عشق به مال اندوزی یا شاید جواهراندوزی زنانه را به گونه‌ای آشکار می‌کند که می‌توان گفت آنان که چنین

## مقدمه مترجم انگلیسی

شاعر و نمایشنامه‌نویس آوازهٔ بیشتری به دست آورده است. داستان‌های تاگور نه تنها ما را مجذوب می‌کند، که در همان دم، پیامی ظریف نیز می‌دهد. اما هرگز کیفیت زیبایی‌شناختی در پیشگاه آموزش فدا نمی‌شود. ما، گه‌گاه و معروض راز گشایی‌هایی شگفت‌انگیز از طبیعت و تأثیرش در خلق و خو، امیال و اشتیاق‌های انسانی قرار می‌گیریم. زیبایی غنایی و توصیفات شاعرانه که در سراسر آثار او یافت می‌شود، حکایت از عشق شورانگیز شاعر به طبیعت دارد. طبیعت را دانایی کل می‌نماید که همچون پیش‌زمینهٔ عواطف و زندگی روزانهٔ انسان عمل می‌کند.

### تاگور و طبیعت ماورایی

در آثار تاگور، آمیخته‌ای عجیب و غریب از واقعی و غیرواقعی وجود دارد. او، گویی پیوسته به دنبال پیوندی با طبیعت ماورایی و همهٔ کشف نشده‌هاست. برخی از داستان‌های کوتاهش، مثال‌های بی‌نظیری از اشتیاق او برای شناختن ناشناخته‌هاست. رؤیاهای تحقق‌نیافته؛ مرده‌ای که در اشتیاق حضور یافتن در مجمع عزیزانی است که زنده‌اند، یا گاه در صفحات فراموش‌شدهٔ تاریخ، زنده می‌شود؛ و عشقی ناکام که صفحات داستان‌هایش را تسخیر می‌کند. داستان‌های برجسته‌اش، مجموعه‌ای متنوع از داستان‌های اجتماعی، فراطبیعی، زن محور و فرزندمحور است. وقتی داستان‌ها را می‌خوانید، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، تضاد بین شناخته‌ها و ناشناخته‌هاست که آشکارا به هنگام خواندن داستان با آن مواجه می‌شویم.

رابیندرانات تاگور در زندگی شخصی‌اش متحمل چندین ضربهٔ روحی و ماجراهای غم‌انگیز بوده است. او چند تن از فرزندانش، همسر نازنینش

## حالات عارفانه

نمایشنامه‌ها، رمان‌ها یا نقاشی‌هایش شاهد پیشگامی و بصیرت هستیم. او عواطف و اشتیاق‌های انسان و گاه ضعف‌هایش را چنان ماهرانه و همدلانه تجزیه و تحلیل می‌کند که ما را به حیرت می‌اندازد. او چگونه می‌توانست تا به این اندازه حدس بزند؟ در آثار تاگور، ملکوت و انسان با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در کمال حیرت با هم ادغام می‌شوند تا مخلوقاتی ایجاد کنند که در همه اعصار حی و حاضرند و مطرح می‌شوند.

ویژگی مشخصی که در همه آثار او دیده می‌شود، همدلی و دلسوزی برای ستمدیدگان و ناآگاهان است. در برخی موارد قلبش برای ستمدیدگان جامعه، مانند کشاورزی تنگدست یا کارگری روزمزد یا خدمتکار خانگی سالمند که به جان کندن خرج بخور و نمیر زندگی‌اش را درمی‌آورد، می‌تپد. گاه این روح شریف، برای زنانی که سال‌ها در اسارت بوده‌اند و برای اعتراض در برابر چنین بی‌عدالتی‌ای آموزش ندیده بودند، فریادی خاموش برمی‌آورد. تعجب‌برانگیز است، فردی که به ناز و نعمت خانواده اشرافی خو گرفته بود، می‌توانست خود را در قالب مردمانی ببیند که از توانمندی او بسیار دور بودند و تجزیه و تحلیلی چنین شگفت‌انگیز، از شخصیت‌ها و جامعه داشته باشد.

داستان‌های کوتاه تاگور، رمان‌هایی مینیاتوری‌اند که همه عناصر پیرنگ و شخصیت‌پردازی را دارا هستند. تنها نکته‌ای که شاید حذف می‌شود، گسترش پیرنگ، در یک دوره زمانی بزرگ‌تر است. برخی از رمان‌های او مانند نشستانیر<sup>۱</sup> یا چوکهر بالی<sup>۲</sup>، داستان‌های کوتاه بیشتر گسترش یافته‌اند و هستند. تاگور که برای منظومه گیتانجالی<sup>۳</sup> اش جایزه نوبل گرفت، شاید در مقام

1. Nashtaneer

2. Chokher Bali

3. Geetanjali: مجموعه اشعار بنگالی تاگور (۱۹۴۱-۱۸۶۱)، که در ۱۹۱۰ منتشر شد. [به نقل از مجله بخارا، شماره ۴۵، ویژه‌نامه رابیندرانات تاگور]. م -